

صحيفة الحسن عليه السلام

[37] می نشست را نیز غارت کردند و ردا را از دوش آن حضرت برداشتند. 2 - تکفیر امام: کار جهل و سیه دلی یاران امام به جایی رسید که بعضی حکم به تکفیر فرزند پیامبر دادند، و جراح بن سنان بقصد کشتن امام برایشان تاخت و فریاد زد: ای حسن تو هم مانند پدرت مشرک شدی، تعجب از آنجاست که گروهی این تجاوز و گستاخی به ساحت قدس فرزند پیامبرشان دیدند ولی سکوت نمودند و او را سرزنش نکردند. 3 - سوء قصد به امام: دردها ورنجهای امام به اینجا پایان نیافت بلکه دردهای بزرگتری نیز در انتظار ایشان بود، آن حضرت بوسیلهء رشوه گیران و خوارج سه بار مورد سوء قصد واقع شد: یکبار بهنگام نماز تیری بسوی آن حضرت انداختند ولی به حضرتش آسیبی نرسید، بار دیگر جراح بن سنان بر ران آن حضرت ضربتی فرود آورد. شیخ مفید در این مورد گوید: امام برای تشخیص میزان فرمانبری اصحابش خطبه ای خواند و تصمیم خود به صلح را بیان داشت، زمزمه هایی بلند شد که این مرد کافر شده است، از اینرو به خیمه امام هجوم آورده و آنرا غارت کردند و مرد تبهکاری بنام عبد الرحمان بن عبد الله بن جعال ازدی بر امام حمله برد و عبا را از دوش ایشان برداشت، امام را از آنجا حرکت دادند، چون امام به (مظلم سابط) رسید مردی از بنی اسد بنام جراح بن سنان دشنه ای بیرون کشید و افسار قاطر امام را گرفت و فریاد زد: ای اکبر، ای حسن تو هم مانند پدرت به خدا شرک آوردی، و با دشنه اش ران امام را درید، امام گردن او را کشید، و هر دو بر زمین افتادند، دو نفر از شیعیان به یاری آن حضرت شتافتند، و آن حضرت که به سختی
